

سرمقاله

مکانیسم ماشه تهدیدی

قدیمی برای اقتصاد ایران

ادامه از صفحه یک...بازار ارز و اقتصاد کشور بیش از آنکه اقتصادی باشد، در فضای روانی و انتظارات جامعه نهفته است. یک نکته مهمی که نباید فراموش کرد، تجربه چند سال گذشته دولت و بانک مرکزی در مواجهه با شوک‌های ارزی و سیاسی است. به یاد داریم که پس از شهادت رئیس جمهور پیشین، بازار ارز به شدت نوسان داشت اما مدیریت هوشمندانه بانک مرکزی و به کارگیری سیاست‌های متناسب، توانست شرایط را به آرامش برساند. همچنین عملیات‌های موفق «وعده صادق» که در دو مرحله انجام شد، نشان داد سیاست‌گذار اقتصادی کشور قادر است شوک‌ها و بحران‌ها را مدیریت کند و بازار ارز را به ثبات برساند. مکانیسم ماشه، به عنوان بخشی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، بیش از آنکه یک تهدید اقتصادی مستقیم باشد، ابزاری روانی و سیاسی برای اعمال فشار بر ایران به شمار می‌رود. در متن قطعنامه‌ای که اخیراً منتشر شده است، اشاره مستقیمی به تحریم‌های نفتی و بانکی نشده‌است و از سوی دیگر، کشورهایی مانند چین و روسیه که از اصلی‌ترین خریداران نفت ایران به شمار می‌روند، علناً اعلام کرده‌اند که قصدی برای اجرای تحریم‌ها ندارند. این نکته مهمی است که نشان می‌دهد، حتی در بدبینانه‌ترین سناریوها نیز اجماع لازم برای اعمال فشار عملی بر ایران شکل نخواهد گرفت و در نهایت، تلاش‌ها به مجادله‌ای سیاسی محدود خواهد شد. در واقع، اختلافات میان اعضای شورای امنیت، موجب شده است که این موضوع تبدیل به یک بازی سیاسی شود که نتایج ملموس و عملی در حوزه اقتصادی به دنبال نخواهد داشت. این موضوع تجربه‌ای است که بارها و بارها در سال‌های گذشته دیده‌ایم؛ زمانی که تنش‌های سیاسی و قطعنامه‌ها ایجاد شوک روانی کوتاه‌مدتی در بازارها می‌کنند ولی پس از مدت کوتاهی، این شوک‌ها فروکش می‌کنند و بازار به تعادل باز می‌گردد. یکی از دلایلی که این بار نیز می‌توان به مدیریت موفق بازار ارز امیدوار بود، سیاست‌های کنترلی دقیق و به موقع دولت و بانک مرکزی است. عرصه ارز مورد نیاز در بازار، مدیریت بانک مرکزی از جمله عواملی هستند که می‌توانند به کنترل نرخ ارز و کاهش فشارهای تورمی کمک کنند. این سیاست‌ها به ویژه در شرایطی که فضای روانی جامعه تحت تأثیر اخبار و تحولات سیاسی قرار دارد، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. با توجه به تجربه گذشته، باید پذیرفت که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور این توانایی را دارند که حتی در شرایط تحریم‌های شدید و نوسانات بازار، ثبات نسبی را حفظ کنند. در سال گذشته، پس از رخدادهای مهمی مانند شهادت رئیس جمهور سابق و اجرای عملیات‌های «وعده صادق»، نوسانات بازار ارز افزایش یافت اما به مرور زمان و با اقدامات بانک مرکزی، این نوسانات کنترل و به سطحی متعادل رسیدند.

یادداشت

چرا ترامپ جایزه صلح نوبل را می‌خواهد؟

ادامه از صفحه یک...نمایش بنگار در بسیاری از مردم، به‌ویژه در ایالت‌های شمالی آمریکا، نسبت به حفظ ارزش‌های آمریکایی حساسیت بالایی دارند و خود را در قیاس با دیگر ملت‌ها (حتی اروپایی‌ها) برتر می‌دانند. ترامپ نیز با تکیه بر همین ذهنیت، می‌کوشد آمریکا را در صدر جهان نگه دارد. تمام سخنان، مانورهای سیاسی و نمایش‌های قدرت او در همین راستا است؛ یعنی تثبیت موقعیت برتر ایالات متحده در جهان. این نوع نگرش، ریشه در فرهنگی دارد که در شمال آمریکا به‌طور خاص رواج یافته است. اگر از آمریکا به سمت خاورمیانه و اروپا بایسیم، باید گفت غرب (به‌ویژه اروپا) امروز با بحران‌های اقتصادی جدی روبه‌رو است و دو مشکل اساسی در این زمینه دیده می‌شود: نخست تراکم سرمایه و دوم انباشت کالا. این تراکم، اروپا را واداشته تا برای سرمایه‌های مازاد خود به‌دنبال بازارهای تازه بگردد. کشورهایی مانند فرانسه، با نرخ بالای بیکاری مواجه‌اند، به همین دلیل است که موقعیت سیاسی اماتوئل ماکرون متزلزل شده و با فشار پارلمان، نخست‌وزیران پی‌درپی تغییر می‌کنند. کاهش محبوبیت ماکرون نیز می‌تواند زمینه‌ساز قدرت‌گیری «مارین لوین» باشد. در نتیجه، اروپا امروز در بن‌بستی اقتصادی گرفتار است؛ بن‌بستی که از دو سوی تراکم سرمایه و تراکم کالا، اقتصاد را در تنگنا قرار داده است. ایالات متحده نیز گرچه از نظر نرخ رشد اقتصادی وضعیت بهتری از اروپا دارد، اما از مشکلات مشابهی رنج می‌برد. تورم چنددرصدی و کاهش بهروری در برخی بخش‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد آمریکا نیز با چالش‌های ساختاری روبه‌رو است. در این میان، منطقه خاورمیانه همچنان ثروتمندترین منطقه جهان است؛ منطقه‌ای با ظرفیت بالای سرمایه‌پذیری و بازار مصرف، چرا که هم ثروت طبیعی فراوانی دارد و هم بخش‌هایی از آن هنوز توسعه‌نیافته‌اند و به همین دلیل، همواره مورد توجه قدرت‌های اقتصادی بوده است. در این میان، یک نکته کلیدی وجود دارد و آن این است که برای تبدیل خاورمیانه به منطقه‌ای مناسب برای سرمایه‌گذاری، باید از کانون‌های تنش در آن کاسته شود. از منظر واشنگتن حضور بازیگرانی مانند حزب‌الله، حماس، سوریه و لبنان، ثبات منطقه را تهدید کرده و مانع سرمایه‌گذاری‌های بزرگ بین‌المللی شده است. نمونه روشن آن را می‌توان در تجربه محمد بن سلمان دید. ولیعهد عربستان در چارچوب برنامه‌های توسعه‌گرایانه خود، نیازمند جذب سرمایه خارجی بود، اما بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و جنگ‌های نیابتی مانع این هدف شد. حتی بانک‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی نیز به دلیل ناامنی سیاسی، از سرمایه‌گذاری در این کشورها پرهیز کردند. موضوع دیگر این است که چندین دهه است که زندگی سیاسی و اجتماعی جهان عرب با مساله فلسطین گره خورده، اما به نتیجه نرسیده‌است. امروز حتی بسیاری از دولت‌های عربی، چه به‌صورت آشکار و چه پنهان، خواهان پایان یافتن این بحران هستند.

عملکرد بانک مرکزی در پرداخت وام اشتغال اصلا رضایت بخش نیست



رحیم زارع، سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۴ در مورد اجرای شدن تبصره ۱۵ پرداخت وام‌های اشتغال‌زایی، گفت: متأسفانه عملکرد بانک مرکزی در راستای توافقات صورت گرفته، به ویژه در بودجه کل کشور در مورد پرداخت وام‌های اشتغال‌زایی و اجرای تبصره ۱۵ قانون بودجه اصلا مناسب و رضایت‌بخش نبوده است سخنگوی کمیسیون تلفیق اظهار کرد: وام‌های تعیین شده در قانون ذیل تبصره مربوط به تسهیلات بانکی تحت عنوان تبصره ۱۵ قانون بودجه ۱۴۰۴، در حوزه ازدواج، فرزندآوری و اشتغال به خوبی پرداخت نشده است و دستگاه‌های که در این زمینه تکلیف دارند به دلیل عدم تخصیص نمی‌توانند به تکالیف شان عمل کنند و ی تصریح کرد: با توجه به مشکلات اقتصادی مردم، عملکرد بانک مرکزی در این زمینه کافی نبوده است. نباید به این مسئله فکر شود که این وام‌ها، چون مبلغشان زیاد نیست تأثیری در اشتغال ندارد اتفاقاً این وام‌ها در روستاها و بخش‌های کوچک می‌توانند موجب رونق کسب و کارهای خرد و خانگی شوند. زارع خاطر نشان کرد: متأسفانه عملکرد بانک مرکزی در زمینه پرداخت وام اشتغال اصلا مناسب نبوده است و به هیچ وجه رضایت‌بخش نبوده است و امیدواریم در شش ماهه دوم سال، با بهبود عملکرد و جبران کاستی‌ها در پرداخت این وام‌ها شاهد تأثیرات مثبتی بر روی رونق و توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته باشیم.

«تجارت» بررسی می‌کند؛ آخرین وضعیت ساختار پولی و مالی کشور چگونه است؟

ورشکستگی سیستماتیک نظام بانکی



رفته است. به بیان ساده‌تر، بسیاری از بانک‌ها عملاً در وضعیت ورشکستگی فنی قرار دارند. در این گزارش یکی از بانک‌های خصوصی با زیان انباشته‌ای حدود ۳۱۸ هزار میلیارد تومان، نه تنها بیشترین سهم را در این زیان‌ها دارد، بلکه به نماد بحران نظام بانکی ایران بدل شده است. این وضعیت نه تنها اعتبار بانک‌ها را خدشه‌دار کرده، بلکه زیرساخت‌های اقتصادی را به شدت آسیب‌پذیر کرده است؛ چرا که سرمایه‌گذاری در بنگاه‌ها و تولید، از طریق سیستم بانکی تأمین مالی می‌شود و بانک‌ها در شرایط ناسامان توان انجام این نقش حیاتی را ندارند. در کنار مشکلات مالی و ساختاری، یکی از علل اصلی استمرار بحران، ضعف فرط نظارت بانک مرکزی عنوان شده است. گزارش به صراحت از تخلفات گسترده بانک‌ها در نقض نسبت‌های احتیاطی، عدم رعایت کفایت سرمایه، نسبت‌های نقدینگی و محدودیت‌های تسهیلات‌دهی به اشخاص مر تبط سخن می‌گوید. بسیاری از بانک‌ها بدون مجازات یا اصلاح جدی به ادامه رفتارهای پرخطر خود پرداخته‌اند. علاوه بر این، ملاحظات سیاسی و مدیریتی باعث شده است برنامه‌های ادغام و ساماندهی بانک‌ها، که می‌توانست گام مهمی در کاهش ناترازی‌ها باشد، به تعویق بیفتد یا ناکام بماند. مالکیت‌های متقاطع و نفوذ سهامداران عمده در مدیریت بانک‌ها نیز مشکلات ساختاری جدی را ایجاد

* ضرورت اصلاحات ساختاری؛ راهکاری سخت اما ضروری

مرکز پژوهش‌های مجلس در بخش پایانی گزارش خود با لحن هشدارآمیزی تأکید می‌کند که بحران بانکی در صورت تعلل در اصلاحات، به یکی از اصلی‌ترین عوامل بی‌ثباتی اقتصادی

بانک‌های خصوصی پاسخگوی نهادهای نظارتی نیستند



جبار کوچکی‌نژاد، نایب‌رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، با اشاره به نابسامانی‌های ساختاری نظام بانکی کشور، از بی‌پاسخ‌بودن بانک‌ها در برابر نهادهای نظارتی انتقاد کرد و گفت: بانک‌ها منابع متعددی از جمله سپرده‌های مردمی، خطوط اعتباری بانک مرکزی و منابع بودجه‌ای دارند و در عین حال بیشترین انحرافات اقتصادی و مشکلات نظام ارزی ناشی از عملکرد همین بانک‌های خصوصی است که منابع را به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و تورمزاسوق می‌دهند. نایب‌رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در ادامه به بررسی لایحه الحاق مواد ی به قانون تنظیم مقررات مالی دولت اظهار کرد: بر اساس این لایحه، بانک‌ها باید ۹۰ درصد منابع داخلی خود را در همان استانی که سپرده‌گذاری انجام شده، صرف کنند. به گفته وی، نبود تسلط استان‌ها بر منابع مالی خود، منجر به نابرابری در توسعه و اشتغال شده است. وی با انتقاد از نرخ بالای تسهیلات بانکی این روند را ناعادلانه و ناکارآمد دانست و افزود: بخش زیادی از این تسهیلات به‌جای تولید، به سمت دلالت رفته و عملاً منجر به اشتغال‌زایی نشده است. کوچکی‌نژاد در پایان خواستار نظارت مؤثرتر وزارت اقتصاد و نهادهای نظارتی برای اجرای دقیق‌تر تبصره‌های بودجه‌ای و اصلاح روند تخصیص تسهیلات شد.

گروه اقتصاد کلان: چند روز پیش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارشی را تحت عنوان «پایش ثبات و سلامت بانکی اسفند ۱۴۰۲» منتشر کرد که طی آن به تشریح آخرین وضعیت نظام بانکی کشور پرداخته بود؛ این گزارش نشان می‌دهد نظام بانکی کشور عملاً در وضعیتی بحرانی قرار دارد. به گزارش تجارت، پایان سال ۱۴۰۲، نظام بانکی کشور با چالشی بزرگ جدی مواجه شده است؛ بحرانی که سال‌ها به شکل تدریجی شکل گرفته و اکنون دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا صرفاً به عنوان مشکلی موقتی تصور کرد. گزارش رسمی «پایش ثبات و سلامت بانکی» که به استناد ماده (۵۲) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و برای نخستین بار در قالب قانون جدید بانک مرکزی منتشر شده، تصویری و صریح از وضعیت واقعی نظام بانکی کشور ارائه می‌دهد. گزارشی که نشان می‌دهد زخم‌های عمیق، ناترازی‌های گسترده و زیان انباشته سنگینی در شبکه بانکی کشور وجود دارد که نه تنها سلامت مالی بانک‌ها را به شدت تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند به بحران کلان اقتصادی منجر شود. در وهله نخست مشکلی که این گزارش آن را به عنوان بحرانی پنهان و فرآگیر در شبکه بانکی معرفی می‌کند ناترازی در بانک‌ها به معنای وجود شکاف عمیق میان دارایی‌ها و بدهی‌ها، به ویژه در بخش نقدینگی و سودآوری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از بانک‌ها در وضعیت ناترازی شدید قرار دارند؛ یعنی آن‌ها نه تنها سودآور نیستند بلکه تراز دارایی و بدهی‌شان به گونه‌ای است که نمی‌توانند به تعهدات مالی خود به موقع عمل کنند. یکی از بارزترین نشانه‌های این بحران، رشد شدید اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی است. بانک آینده با اختصاص حدود ۳۰ درصد از کل اضافه‌برداشت شبکه بانکی، نمونه‌ای از این بحران نقدینگی است که در عمل به معنای وابستگی فزاینده بانک‌ها به منابع بانک مرکزی برای حفظ بقا و تأمین نقدینگی است. این وضعیت، بانک مرکزی را در مقابل تصمیمات سخت و پرهزینه پولی قرار می‌دهد و موجب افزایش پایه پولی و تشدید تورم می‌شود.

* زیان انباشته؛ نشانه‌ای از ورشکستگی سیستماتیک

یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های گزارش مذکور، میزان بی‌سابقه زیان انباشته در شبکه بانکی است که در پایان سال ۱۴۰۲ به منفی ۴۷۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. این عدد هتفکت که معادل بیش از ۹۰ درصد کل سرمایه ثبت‌شده بانک‌هاست، نشان می‌دهد بخش بزرگی از حقوق صاحبان سهام به کلی از بین

پولشویی و خروج سرمایه؛ خط قرمز بانک مرکزی برای فعالیت فین تک‌ها

جدید است لذا حوزه تنظیم گری باید متناسب با رشد سریع دانش در این حوزه، خود را تطبیق دهد ضمن اینکه تنظیم گری در این حوزه نباید به گونه‌ای باشد که مانع از رشد کسب و کارها شود. فرزین با بیان اینکه بانک مرکزی در شورای راهبردی تنظیم گری حوزه اقتصاد دیجیتال و فین تک‌ها بر ضرورت توسعه این بخش نیز تأکید دارد، تصریح کرد: بانک مرکزی چند اصل را در حوزه تنظیم گری این بخش به عنوان خط قرمز تعیین کرده است؛ نخست آن که فعالیت در حوزه فین تک نباید به پولشویی منتهی شود به عبارت دیگر هر فعالیتی که طبق قانون ممنوع است، مبادلات پولی آن نیز ممنوع است و در بخش فین تک‌ها باید مقررات مشخصی برای جلوگیری از این پدیده تدوین شود. رئیس کل بانک مرکزی گفت: هر چند کسب سود در ذات این فعالیت است، اما با توجه به شرایط خاص تحریمی کشور و تلاش دشمن برای شمله ور کردن جنگ روانی و انتظارات تورمی در شرایط خاص؛ سوداگری و بعضی وقت‌ها کوتاه‌تر می‌شود. یعنی بعضی وقت‌ها مثلاً این دو سه ماه می‌شود چهار پنج ماه و بعضی وقت‌ها یکی دو ماهه ارز می‌آید. نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به نحوه تأمین کالاهای اساسی توسط وزارتخانه‌ها، توضیح داد:

گروه اقتصاد کلان: محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در دیدار ۳ ساعته با فعالان حوزه «اقتصاد دیجیتال و فین تک» با ترسیم خطوط تعامل دو سویه و الزامات قانونی بانک مرکزی و فعالان این عرصه، با اقدامات انجام شده بانک مرکزی برای حمایت از کسب و کارها و سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه به همراه توسعه حوزه فعالیت‌های اقتصاد دیجیتال و فین تک متناسب با قوانین تنظیم گری خبر داد و گفت: فعالیت در چارچوب قانون، الزام به رعایت قوانین پولشویی، سوداگری و مقابله با خروج سرمایه و انحصار جزو خواسته‌های اصلی بانک مرکزی در حوزه فعالیت اقتصاد دیجیتال و فین تک است. رئیس کل بانک مرکزی در این جلسه دستور تشکیل کمیته مشترک به منظور بررسی کارشناسی مسائل فعالان این حوزه شد و معاونان فناوری‌های نوین و ارزی بانک مرکزی را مامور کرد تا با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط موضوعات تخصصی فعالان عرصه اقتصاد دیجیتال و همچنین تأمین ارز مورد نیاز طرح‌های زیرساختی در حوزه آی تی را پیگیری کنند.

وی در این جلسه هم‌اندیشی با بیان اینکه نگاه بانک مرکزی در این حوزه با محوریت تنظیم گری و تعامل و اعتماد دو سویه است، گفت: با توجه به نوظهور بودن و رشد سریع این حوزه، ابهامات آن در حوزه تنظیم گری نیز

طغیانی: در صورت اثبات تعلل در تخصیص ارز کالاهای اساسی، با بانک مرکزی برخورد می‌شود

ارز به بانک مرکزی، نمی‌توان آن را خرج کرد، گفت: گیر ما الان اینجا است. بودجه ارزی هر بخش و سهم آن مشخص شده، اما مشکل ما در دریافت ارز نفتی و اختصاص دادن آن نیست می‌شود. طغیانی با بیان اینکه معمولاً در دریافت ارز نفتی چند ماهی عقب هستیم، افزود: یعنی نفت را فروخته‌ایم اما تا از آن بیاید معمولاً بین یک تا سه ماه زمان می‌برد. دلیل آن هم شرایط تحریمی و ویژگی‌هایی است که الان با آن مواجه هستیم. بعضی زمان‌ها این زمان تحویل ارز طولانی‌تر و بعضی وقت‌ها کوتاه‌تر می‌شود. یعنی بعضی وقت‌ها مثلاً این دو سه ماه می‌شود چهار پنج ماه و بعضی وقت‌ها یکی دو ماهه ارز می‌آید. نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به نحوه تأمین کالاهای اساسی توسط وزارتخانه‌ها، توضیح داد:

از طرفی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها برنامه و زمان‌بندی در جریان واردات کالاهای اساسی دارند که لزوماً این برنامه با تأمین ارز هماهنگ نیست و نگرانی ایجاد می‌شود. وقتی که ذخایر اساسی مصرف می‌شود، نگرانی برای تأمین مجدد آن و زمان‌بندی به موقع تأمین شدن آن کالاهای وجود خواهد داشت. وی با اشاره به پیگیری‌های مجلس برای تخصیص به موقع ارز برای تأمین کالاهای اساسی، عنوان کرد: ما در جلسات متعدد با بانک مرکزی خواسته‌ایم که به گونه‌ای تدبیر کند تا دستگاه‌ها بتوانند با آرامش برای واردات به ویژه کالاهای اساسی اقدام کنند، بانک مرکزی هم‌همیشه در برابر این خواسته تمهید داده و تأکید کرده که این موضوع در اولویت اول قرار دارد. طغیانی در ادامه تأکید کرد: اگر گزارشی دریافت کنیم که

بانک مرکزی در تخصیص ارز کالاهای اساسی تعلل کرده است، قطعاً برخورد می‌کنیم. نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: اینکه بانک مرکزی در دامنه آن امکاناتی که دارد عمل می‌کند، این را بررسی کرده‌ایم و دائم هم این کار انجام می‌شود. اما اگر تعلل صورت گیرد، یعنی ارز وجود داشته باشد و تخصیص داده نشود یا بانک مرکزی در تخصیص تأخیر کرده باشد یا در سیستم بروکراسی وقت‌گذرانده باشند، قطعاً با آن برخورد می‌کنیم و قابل توجیه نیست. اما اینکه امکانات بانک مرکزی کم است و نتوانسته بیازری نیامده موضوع دیگری است. وی درباره استفاده از ذخایر ارزی برای تخصیص به کالاهای اساسی توضیح داد: بانک مرکزی ذخایر ارزی را برای مدیریت بازار نیاز دارد.